

عوامل مؤثر بر احساس شهروندی در میان دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز

سیدعبدالحسین نبوی^{*}، فرهنگ ارشاد^{**}، سیدحسام‌الدین فاضل^{***}

طرح مسئله: احساس شهروندی جنبه‌ای مهم از شهروندی است که نقش به‌سزایی در تحکیم و تقویت بنیان‌های اجتماعی هر جامعه دارد. مقاله حاضر به بررسی و سنجش احساس شهروندی در میان دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز و برخی عوامل مؤثر بر آن می‌پردازد.

روش: این نوشتار ضمن مرور نظری بر مفهوم شهروندی در تلاش است تا به یک صورت‌بندی از احساس شهروندی متناسب با وضعیت ایران دست یابد. این بررسی که در میان دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز انجام گرفته با شیوه‌ی پیمایشی مبتنی بر پرسش‌نامه صورت پذیرفته است. حجم نمونه ۳۶۸ نفر بوده که بر اساس روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی انتخاب شدند.

یافته‌ها: در این تحقیق میزان احساس شهروندی در میان دانشجویان ۴۰/۲۸ بوده است این درحالیست که متغیرهایی چون جنسیت، قومیت، سطح و رشته تحصیلی هیچ‌کدام بر این میزان تأثیرگذار نبوده است.

نتایج: در فرضیات دیگر، متغیرهایی چون نظام شخصیتی افراد، میزان پیگیری اخبار و وقایع اجتماعی و سیاسی، تحصیلات پدر و بحث و گفتگو درباره وقایع اجتماعی و سیاسی رابطه‌ای معنادار با احساس شهروندی را نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: احساس شهروندی، دانشجویان، دسترسی به منابع، شهروندی، نظام شخصیتی

تاریخ پذیرش: ۸۸/۲/۱۲

تاریخ دریافت: ۸۶/۱۰/۲۱

* دکتر جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

** دکتر جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز <hesam.fazel@gmail.com>

طرح مسئله

در زمان جنگ آشکاری این حقیقت که حمله‌ی دشمن متوجه زندگی اجتماعی است فرآیند بنیادین شهروند بودن را هشیار می‌سازد. در واقع نوعی آگاهی در افراد به وجود می‌آید که از «ارزش عاطفی شهروندی»^۱ نشأت می‌گیرد، به گونه‌ای که زنان نیز عهده‌دار اموری می‌شوند که در زمان صلح، قانون آن را منع کرده است، در این زمان است که تجربه‌ی معنوی عمیق‌ترین مفهوم، یعنی درکی عاطفی از ارزش متعالی شهروندی در میهنی که انسان بدان تعلق دارد، رخ می‌نماید (Mead, date unknown).^۲

شهروندی تنها یک موقعیت نیست که شخص در آن، مجموعه‌ای از حقوق و وظایف را داشته باشد. بنابراین گفته‌ی هیتلر، واژه‌ی شهروندی در خدمت دو ایده‌ی موقعیت و احساس^۳ است و به نظر می‌رسد آنچه اهمیت در خور توجهی دارد احساس شهروند بودن است، به راستی نمی‌توان جامعه‌ای را تصور کرد که افراد در آن صرف امتحان شهروندی و آشنا بودن با حقوق و وظایف خود به درجه شهروندی نایل گردیده باشند، اما دغدغه‌های ایشان فراتر از تأمین کنج آسوده‌ای برای خویش نمی‌رود و هم‌چون آن فروشنده انگلیسی می‌اندیشند، که در زمان حمله آلمان، حاضر به ترک مغازه خود از بیم نابودی آن نمی‌شد غافل از این‌که کل جامعه در حال نابودی است. (Mead, date unknown).

احساس به نگرش‌ها و طرز تلقی‌ها مربوط می‌شود و «شهروندی در کامل‌ترین معنا یک موقعیت نیست بلکه یک نگرش است. رفتار شهروندان می‌بایست به گونه‌ای باشد که برای جامعه سودمند باشند، یعنی، شهروندان خوبی باشند» (Oliver, Heater, 1994).

1. emotional value of citizenship

۲- منظور مقاله‌ای انتشار یافته در اینترنت، از آرشیو مقالات جرج هربرت مید است که تاریخ نگارش آن مشخص نیست. نسخه اصلی این مقاله در کتابخانه دانشگاه شیکاگو نگاهداری می‌شود.

3. feeling

احساس شهروندی به گفته‌ی کانور، انگیزه‌ای کلیدی برای عمل به شهروندی است (Conover, 1997). بنابراین، ناگفته پیداست که احساس شهروندی در خلق موقعیت شهروندی از اهمیت به سزایی برخوردار است. شوارزمنتل^۱، در کتاب خود، شهروندی و هویت، امکان توسعهٔ چنین احساسی را ضرورتی برای جلوگیری از شکاف‌های عمیق در دموکراسی معاصر قلمداد می‌کند (Schwarzmantel, 2002). به زعم نظر بعضی صاحب‌نظران، احساس ضعیف شهروندی، هم‌چنین خود ریشهٔ بسیاری از آسیب‌های اجتماعی است (Marchland, 1997). از این جهت، به نظر می‌رسد بررسی و سنجش احساس شهروندی در جامعه از اهمیت بالایی برخوردار باشد. در میان گروه‌های مختلف جامعه، دانشجویان نسبت به امور نگرشی درخور اهمیت دارند زیرا که از سویی درصد قابل توجهی از جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهند و از دیگر سو، خود در شکل‌دهی به نگرش افراد مؤثرند، لذا در این تحقیق تلاش خواهد شد تا به بررسی میزان این احساس در میان دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز پرداخته شود.

مبانی نظری

ادبیات مربوط به شهروندی بسیار گسترده است. در این میان دو برداشت عمده وجود دارد که خود مبانی شکل‌گیری بسیاری از نظریه‌هاست. این دو برداشت یکی مفهوم فردگرایی - لیبرال^۲ و دیگری مفهوم جمهوری‌خواهی - مدنی^۳ است. «فردگرایی - لیبرال؛ یک جریان فکری است که از هابز به بعد بر تفکر انگلیسی - آمریکایی غلبه یافته است. در این تفکر شهروندی به عنوان موقعیت^۴ در نظر گرفته شده که بایستی خواسته شود، به دست آید و حفظ گردد. این، موقعیتِ افرادی است که به لحاظ هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی و اخلاقی بر جامعه و دولت اولویت دارند و هدف اصلی

1. Schwarzmantel

2. liberal-individualism

3. civil- republicanism

4. status

آن، حمایت و تأمین افراد به واسطه حقوق است. مجموعه حقوق بر پایه نیازهای انسان در نظر گرفته شده تا آنان امکان عمل آزادانه را پیدا کنند. انسان‌ها مستحق دریافت چنین حقوقی هستند. در این سنت فکری، کارکرد حوزه سیاسی نیز ارائه خدمت در جهت منافع و مقاصد افراد با حمایت از شهروندان در عمل به حقوق‌شان و آزاد گذاردن افراد، بدون مانع برای دستیابی به اهداف و منافع فردی و جمعی است. در مقابل وقتی سامان سیاسی مورد تهدید قرار بگیرد، وظیفه شهروندان دفاع از آن خواهد بود. امتیاز مهم این رویکرد تأکید بر آزادی، استقلال و عدالت به عنوان ارزش برای تضمین فعالیت‌های فردی و حمایت در مقابل تهدیدات است. از جمله حقوق افراد، حق مشارکت است و پیش‌فرض آن، وجود فرصت‌ها است. البته در این زمینه افراد حق انتخاب دارند و اگر نخواهند فعال باشند موقعیت شهروندی خود را از دست نمی‌دهند (Oldfield, 1990). در این تفکر، «پیوندهای اجتماعی میان افراد قراردادی است و شهروندی به عنوان بخشی از فرآیند تکاملی به سوی جامعه عقلانی‌تر، عادلانه‌تر و برخوردارتر از اداره بهتر تلقی شده است» (فالكس، ۱۳۸۱: ۱۶).

در مقابل، برداشت جمهوری‌خواهی - مدنی وجود دارد که با پیوند آزادی‌های فردی و همبستگی اجتماعی و با تأکید بر اجتماع آغاز می‌شود. متفکران اصلی آن ارسطو، ماکیاولی و روسو هستند. شهروندی در این اندیشه یک عمل و فعالیت در نظر گرفته می‌شود. افراد بر جامعه اولویت نداشته، بلکه هویت‌های خود را در بستر اجتماعی شکل می‌دهند. به بیان دیگر عضویت کامل در اجتماع و عمل به وظایف، آنان را شهروند می‌کند (شیانی، ۱۳۸۱). ایشان استدلال می‌کنند حتی «خود» در بخشی، از طریق پیوندهای افراد با یکدیگر شکل گرفته و این روابط نباید به مثابه ابزاری برای یک هدف فردگرایانه در نظر گرفته شود. هر هویتی به واسطه برقراری روابط با دیگران جمعی توسعه یافته و برخی از پیوندها نیز شکل وفاداری و تعهد در مقابل اجتماع را به خود می‌گیرد. (فالكس، ۱۳۸۱)

1. self

از میان فردگرایان می‌توان به تی. اچ. مارشال اشاره کرد. «مارشال سه نوع شهروندی را از هم متمایز می‌سازد که در طول سه قرن گذشته ظهور کرده است. در قرن ۱۸، شهروندی مدنی با حقوق ضروری برای آزادی‌های فردی مثل آزادی بیان، اندیشه، حق مالکیت و غیره شکل گرفت. در قرن ۱۹، شهروندی سیاسی حق مشارکت در قدرت سیاسی را تأمین کرد و در قرن ۲۰، شهروندی اجتماعی امکان برخورداری از استانداردهای مناسب زندگی مثل بهداشت و درمان، مسکن، شغل و درآمد را فراهم نمود و این نکته را می‌افزاید که شهروندی به واسطهٔ ایجاد نهادهای مناسب در جامعه تحول یافته است.» (Marshall, 1964) به نقل از شیانی، (۱۳۸۱).

برایان. اس. ترنر از نظریه‌پردازان معاصر، شهروندی را مستلزم نهادینه شدن حقوق اجتماعی و سیاسی می‌داند که به عنوان یک مجدداً مسئله ظهور کرده است. از دید او شهروندی مجموعهٔ حقوق و وظایفی است که به افراد هویت قانونی و رسمی اعطا می‌کند. ترنر نظر در جوامع مدرن در شکل شمارهٔ ۱ قابل مشاهده است:

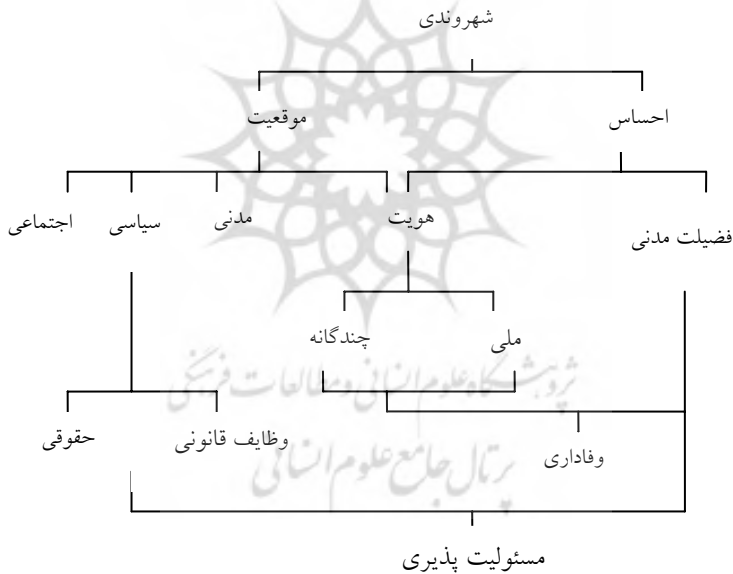


شکل (۱) - مدل جامعه‌شناختی شهروندی، منبع Turner, 2000

این مدل، نهادهای شهروندی، هویت اجتماعی، ماهیت نابرابری و دسترسی به منابع اقتصادی - اجتماعی را در بر می‌گیرد. وقتی حقوق قانونی و تعهدات به عنوان موقعیت رسمی، نهادینه می‌شود، استحقاق رسمی برای منابع کمیاب در جامعه را به مردم اعطا می‌کند. شهروندی نیز برچگونگی دستیابی افراد و گروه‌ها به منابع کمیاب در جامعه

نظارت می‌کند. این منابع، نه تنها شامل منابع اقتصادی چون مسکن، درآمد، شغل، درمان و غیره بلکه در بر گیرنده منابع فرهنگی و سیاسی مثل تعلیم و تربیت، حق گفتمان در حوزه عمومی و آزادی‌های زبان و مذهب نیز هستند. در کنار این منابع سه نوع حقوق نیز وجود دارد، حقوق اقتصادی، حقوق فرهنگی و حقوق سیاسی. بنابراین، در تأکید بر ایده شهروندی علاوه بر موقعیت حقوقی، نظارت بر دسترسی به منابع کمیاب، اعطای هویت فرهنگی به افراد و گروه‌ها نیز مطرح است.

در میان طرح‌های موجود به نظر می‌رسد طرح هیترا از جمله معدود مدل‌هایی است که در آن از احساس شهروندی سخن به میان آمده است. این طرح که به صورت نمودار درختی ارائه شده است، شهروندی را دارای پنج عنصر اساسی می‌داند، که علاوه بر تعریف سه بعدی مارشال از شهروندی، دو بعد فضیلت مدنی و هویت را نیز در بر می‌گیرد.



شکل (۲) - طرح هیترا از شهروندی (oliver,heater, 1994)

این طرح پیوستگی عناصر را نشان می‌دهد و این اشکال مدنی، سیاسی و اجتماعی شهروندان به مثابه موقعیت می‌باشد و این موقعیت در بر گیرنده حقوق و وظایف مدنی است. برعکس، فضیلت مدنی به طرز تلقی‌ها و رفتارها مربوط می‌شود. این بخش تا حدی بیان‌گر وفاداری به دولت و اجتماع بوده و در کنار اجرای وظایف قانونی بیان‌گر احساس مسئولیت‌پذیری است. هویت هم دو جنبه دارد و به موقعیت (فرد برخوردار از حقوق از طریق ملیت) و احساس (نیاز تعلق به گروه‌های اجتماعی) مربوط می‌شود. این طرح بسیار خلاصه شده و اختلافات جزئی، به ویژه تعارضات اساسی میان سنت‌های مطروحه در مدل ترنر را نادیده گرفته است. احساس شهروندی هم‌چنان که هیتز نیز در طرح خود از شهروندی می‌آورد، در دو بعد هویت^۱ و فضیلت مدنی^۲ به وفاداری نسبت به اجتماع می‌انجامد (Oliver, Heater, 1994). طبق نظر بسیاری از صاحب‌نظران، شهروندان باید احساس تعلق داشته و نسبت به جامعه خود وفادار باشند، به تعبیری هویت و فضیلت مدنی از عناصر سازنده و اصلی احساس شهروندی محسوب می‌شوند.

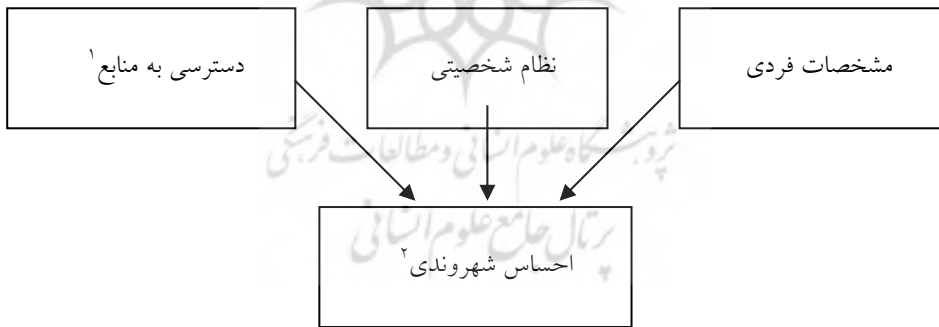
مفهوم‌سازی احساس شهروندی

در تحقیق حاضر، سعی بر آن است تا میزان احساس شهروندی مورد بررسی و سنجش قرار گیرد. با وجود دو سنت فکری عمده در باب شهروندی که هر کدام به گونه‌ای قسمتی از واقعیت شهروندی را بیان می‌کنند، سعی شده است تا به صورتی مناسب و متناسب با وضعیت ایران کار تحقیق پیش رود، اما نکته‌ای که بعضی صاحب‌نظران داخلی بدان اشاره کرده‌اند، همانا ناهمخوانی وضعیت شهروندی در ایران با واقعیت شهروندی در جهان است (نک، شیانی، ۱۳۸۳ و پیران، ۷۷-۱۳۷۶). چنان‌که می‌بایست در به کارگیری نظریات موجود تجدیدنظر شود. برای احساس شهروندی همان‌گونه که پیش‌تر نیز اشاره شد، مؤلفه‌هایی نظیر فضیلت مدنی و هویت ملی در نظریات به کار رفته است، اما عدم

1. identity

2. civic virtue

شکل‌گیری فضیلت مدنی در ایران به زعم بعضی صاحب‌نظران، و هم‌چنین سطح بالای انتزاع آن باعث شد، تا شیوه کار متناسب با شرایط ایران تغییر یابد. بنابراین برای احساس شهروندی متناسب با وضعیت ایران از آرای صاحب‌نظران داخلی نیز استفاده گردید. به زعم پرویز پیران برای احساس شهروندی اشاره به چند عامل مختلف و در عین حال به هم مرتبط لازم است؛ نخست این که این امر یک خصیصه درونی شده^۱ به عنوان بخشی از جامعه‌پذیری است که نشان دهنده انصاف^۲ در تمامی امور همراه با پذیرش مردم به منزله همشهری است که بدین ترتیب احترام به حقوق آن‌ها را در پی دارد. دوم این که این موضوع امریست بیرونی^۳ که حاکی از وظایف و حقوق است. وی در توضیح باورهای درونی شده، آن‌ها را مهم نبودن جنسیت، نژاد، طبقه، منزلت اجتماعی و غیره می‌داند. و هم‌چنین این که آیا افراد به عنوان شهروند صرف‌نظر از موضوع یا زمینه، حساس بودن یا نبودن، وجود یا عدم وجود تضاد یا دل‌بستگی با دیگران در زمینه‌های گوناگون به منزله شهروندان برابر رفتار می‌کنند. سپس وی از جنبه‌های رفتاری یعنی عمل به شهروندی به عنوان عامل دوم بحث می‌کند (پیران، ۱۳۸۶)، که این عامل در نظریات موجود به روشنی آمده است. بر این اساس مدل زیر جهت تحقیق حاضر ارائه می‌گردد.



شکل (۳) - مدل مفهومی متغیرهای پژوهش

1. internalized quality

2. fairness

3. external

۱- منظور از منابع متغیری است مشتمل بر ابعاد آگاهی و شناخت، اطلاعات، مهارت، و وضعیت رفاهی.

۲- احساس شهروندی متغیر وابسته تحقیق است که شامل متغیرهای آگاهی از وظایف شهروندی، آگاهی از حقوق شهروندی، انصاف و ملی‌گرایی می‌باشد.

فرضیات تحقیق

- ۱- افراد با مشخصات فردی متفاوت به لحاظ احساس شهروندی تفاوت معنادار دارند.
- ۲- به نظر می‌رسد بین نظام شخصیت افراد، با متغیر احساس شهروندی رابطه وجود دارد.
- ۳- به نظر می‌رسد بین میزان دسترسی به منابع و میزان احساس شهروندی رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق کمی و از نوع پیمایشی می‌باشد که در سال ۱۳۸۶ در دانشگاه شهید چمران اهواز صورت گرفته است. جمعیت آماری مورد نظر در این تحقیق کل دانشجویان فعال دانشگاه می‌باشد. نمونه مورد مطالعه ۳۶۸ نفر می‌باشد که با استفاده از فرمول کوکران این حجم نمونه به دست آمده و از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی استفاده شده است. ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق پرسش‌نامه بوده است. روائی این پرسش‌نامه با استفاده از روائی صوری و پایایی آن با محاسبه آلفای کرونباخ تعیین گردید.

داده‌ها پس از کدگذاری با نرم افزار spss پردازش و با آماره‌های توصیفی و استنباطی (آزمون t -test، تحلیل واریانس، آزمون کای اسکویر، همبستگی r پیرسون و رگرسیون چند متغیری) تجزیه و تحلیل شده است.

یافته‌های توصیفی تحقیق

از مجموع افراد پاسخ دهنده، ۵۳/۵ درصد زن و ۴۶/۵ درصد مرد بوده‌اند. که از این میان ۲۲/۵ درصد در سطح کارشناسی، ۳/۹ درصد در سطح ارشد و ۳/۹ درصد در سطح دکترا بوده‌اند. میانگین احساس شهروندی در میان پاسخ‌گویان ۴۰/۲۸ می‌باشد، و انحراف معیار به دست آمده ۷/۷۹ است که پراکندگی مقادیر را حول میانگین نشان می‌دهد. براساس جدول مذکور حداکثر نمره احساس شهروندی ۷۳/۰۰ و حداقل آن نیز ۲۱/۰۰ بوده است. بر همین اساس ۴۲/۴ درصد از پاسخ‌گویان دارای احساس شهروندی پایین، و ۵۴/۳ درصد دارای احساس شهروندی متوسط و ۳/۳ درصد دارای احساس شهروندی بالا بوده‌اند.

یافته‌های استنباطی

۱- در فرضیه نخست تحقیق مبنی بر این که «افراد با مشخصات فردی متفاوت به لحاظ احساس شهروندی تفاوت معنادار دارند.» متغیرهای جنسیت و قومیت و رشته تحصیلی و مقطع تحصیلی مورد بررسی قرار گرفت که تفاوت معناداری مشاهده نگردید.

۲- در فرضیه دوم «به نظر می‌رسد، نظام شخصیتی افراد، با متغیر احساس شهروندی رابطه دارد.» این فرضیه بیان می‌دارد که میان نظام شخصیتی افراد که شامل ابعاد رویکرد خردمندانه، نگرش به مشارکت، عام‌گرایی، و ملی‌گرایی است با میزان احساس شهروندی رابطه وجود دارد، که همان‌طور که در جدول شماره (۱) مشاهده می‌شود t پیرسون به دست آمده با سطح معناداری کم‌تر از ۰/۰۵ است. بنابراین در اینجا با ۹۹٪ اطمینان فرض H_0 به معنای عدم رابطه معنادار بین ابعاد مختلف نظام شخصیت با متغیر احساس شهروندی ابطال و فرض H_1 به معنای وجود رابطه معنادار تأیید می‌شود. به این معنا که بین ابعاد مختلف نظام شخصیت شامل رویکرد خردمندانه، عام‌گرایی، نگرش به مشارکت و ملی‌گرایی با میزان احساس شهروندی رابطه‌ای مستقیم و مثبت وجود دارد. به عبارت دیگر با هر گونه افزایش در مقدار یک متغیر مقدار متغیر دیگر نیز افزایش می‌یابد.

جدول (۱): شاخص ضریب همبستگی میان متغیر نظام شخصیت و متغیر احساس شهروندی

«احساس شهروندی»	همبستگی پیرسون	سطح معناداری	جمع
رویکرد خردمندان	۰/۳۶۷	۰/۰۰۰	۳۶۵
عام‌گرایی	۰/۲۲۱	۰/۰۰۰	۳۶۸
نگرش به مشارکت	۰/۲۶۳	۰/۰۰۰	۳۶۷
ملی‌گرایی	۰/۵۹۹	۰/۰۰۰	۳۶۷

همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنی دار می‌باشد.

۳- در فرضیه‌ی سوم، به نظر می‌رسد بین میزان دسترسی به منابع (مشمول بر ابعاد آگاهی و شناخت، اطلاعات، مهارت، و وضعیت رفاهی) و میزان احساس شهروندی رابطه وجود دارد. این فرضیه بیان می‌دارد که داشتن منابع و یا امکان دسترسی به آن به هر شکل در میزان احساس شهروندی افراد تأثیرگذار است.

در بررسی فرضیه سوم، از بُعد مورد نظر برای منابع، چند متغیر از این ابعاد مؤثر مشاهده شد. در بعد آگاهی و شناخت؛ رابطه متغیر میزان پیگیری اخبار و وقایع اجتماعی و سیاسی از میان متغیرهای تحصیلات فرد و تحصیلات پدر و مادر فرد با متغیر احساس شهروندی مورد آزمون قرار گرفت. که متغیر میزان پیگیری اخبار و وقایع اجتماعی و سیاسی دارای رابطه معنادار با میزان احساس شهروندی مشاهده شد. هم‌چنان که در جدول شماره (۲) مشاهده می‌شود مجذور کای به دست آمده ۱۷۱/۹۵۱ است و سطح معناداری کوچک‌تر از ۰/۰۵ است بنابراین می‌توان قضاوت کرد که به احتمال ۹۵٪ بین دو متغیر رابطه معنادار وجود دارد. لذا فرض صفر که بر عدم وجود رابطه تأکید می‌کرد رد می‌شود. بنابراین میان پیگیری اخبار و وقایع اجتماعی و سیاسی با میزان احساس شهروندی رابطه معنادار وجود دارد.

جدول (۲): جدول آزمون مجذور کای میزان پیگیری اخبار و وقایع اجتماعی - سیاسی

میزان پیگیری اخبار	کای اسکویر	درجه آزادی	سطح معناداری
	۱۷۱/۹۵۱	۴	۰/۰۰۰

در بعد آگاهی متغیر تحصیلات پدر نیز مورد تأیید قرار گرفت T پیرسون به دست آمده برای تحصیلات پدر همان طور که در جدول (۳) آمده است در رابطه با متغیر احساس شهروندی با سطح معناداری کم تر از $0/05$ می باشد. بنابراین با 99% اطمینان می توان بیان داشت بین متغیر تحصیلات پدر و متغیر احساس شهروندی پاسخ گویان رابطه معنادار وجود دارد.

جدول (۳): شاخص ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر تحصیلات پدر و میزان احساس شهروندی

احساس شهروندی	همبستگی پیرسون	سطح معناداری	جمع
تحصیلات پدر	$0/123$	$0/026$	۳۲۹

در بعد اطلاعات؛ متغیرهای دسترسی به اینترنت و استفاده از منابع متعدد کسب خبر در نظر گرفته شد. تنها در متغیر دوم در میان کسانی که برای کسب اخبار و وقایع اجتماعی از طریق گفتگو مبادرت می ورزند تفاوت معناداری به لحاظ احساس شهروندی با دیگران مشاهده گردید که در جدول (۴) مشاهده می شود.

جدول (۴): آزمون رابطه بین متغیر منابع کسب خبر با متغیر احساس شهروندی

احساس شهروندی	کمیت T	درجه آزادی	سطح معنی داری
گفتگو با دیگران	۳۶۵	۲/۱۹۱	$0/029$

در بعد مهارت نیز از میان متغیرهای استفاده از اینترنت و بحث و گفتگو پیرامون وقایع اجتماعی و سیاسی، متغیر بحث و گفتگو پیرامون وقایع اجتماعی و سیاسی با احساس شهروندی دارای رابطه معنادار مشاهده شد، مجذور کای به دست آمده همان طور که در جدول (۵) آمده است با سطح معناداری کوچک تر از $0/05$ است، بنابراین می توان قضاوت کرد که به احتمال 95% بین دو متغیر رابطه وجود دارد. لذا فرض صفر که بر عدم وجود رابطه تأکید می کرد رد می شود.

جدول (۵): جدول آزمون مجذور کای بحث و گفتگو پیرامون وقایع اجتماعی - سیاسی

سطح معناداری	درجه آزادی	کای اسکویر	بحث و گفتگو
۰/۰۰۰	۴	۱۲۰/۲۶۴	

برای ساختن معادله رگرسیونی پیش بینی میزان احساس شهروندی، متغیرهایی که در سطح فاصله‌ای بوده‌اند، و دارای رابطه معنادار با متغیر وابسته بوده‌اند به عنوان متغیر مستقل و احساس شهروندی به عنوان متغیر وابسته وارد شدند. با توجه به سطح معناداری به دست آمده و از آن‌جا که مدل ما توانسته با استفاده از شش متغیر ملی‌گرایی، عام‌گرایی، رویکرد خردمندانه، و نگرش به مشارکت، تحصیلات پدر، استفاده از گفتگو، ۰/۵۴۱ از واریانس متغیر وابسته را پیش بینی و فقط ۰/۴۵۹ بقیه را نتوانسته پیش بینی کند، لذا می‌توان گفت از قدرت پیش بینی خوبی برخوردار است.

جدول (۶): تجزیه واریانس چند متغیره احساس شهروندی

منبع تغییرات	درجه آزادی	مجموع مربعات	میانگین مربعات	کمیت f	سطح معنی داری f
اثر رگرسیون	۶	۹۲۱/۱۰	۱۵۴/۱۸	۶۳/۲۴۴	۰/۰۰۰
باقی مانده	۳۲۲	۲۳۷/۹۱	۲۸/۴۶۳		
کل	۳۲۸	۱۵۸/۱۹			

R=۰/۷۳۶

R²=۰/۵۴۱

نتیجه گیری

یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که متغیرهای فرضیه‌ی نخست تحقیق که مشخصات فردی همچون جنسیت، قومیت، رشته و مقطع تحصیلی افراد را در میزان احساس شهروندی تأثیرگذار می‌دانست، تأیید نگردیده است.

مطابق با نتایج حاصل از تحقیق، نگرش مثبت نسبت به ارزش‌های عام، ارزش‌های دموکراتیک، مشارکت، آینده‌نگری و برنامه‌ریزی در میزان احساس شهروندی تأثیرگذار بوده است. این نوع نظام شخصیت، انگیزه لازم را برای فعالیت در افراد ایجاد می‌کند و آنان را به شهروندانی فعال بدل می‌نماید. در جامعه‌ای که افراد به عنوان کارگزاران و فعالان مستقل و توانا باشند میزان احساس شهروندی در آن جامعه نیز بالاست.

نتایج به دست آمده تأثیرگذاری منابع و دسترسی به آن‌ها را در بعضی موارد تأیید نکرده است. در بعد آگاهی و شناخت، متغیر میزان پیگیری اخبار و وقایع اجتماعی و تحصیلات پدر بر میزان احساس شهروندی مؤثر دیده شد. اما در متغیرهای دیگر در این بعد، رابطه معناداری یافت نشد. در بعد اطلاعات، در بین کسانی که برای کسب اخبار و وقایع اجتماعی از طریق گفتگو مبادرت به عمل می‌آورند به لحاظ میزان احساس شهروندی تفاوت معناداری با دیگران مشاهده شد. در دیگر متغیرهای این بعد رابطه معناداری با احساس شهروندی مشاهده نشد. در بعد مهارت، در متغیر بحث و گفتگو پیرامون وقایع اجتماعی و سیاسی با میزان احساس شهروندی رابطه معنادار مشاهده شد. در بعد وضعیت رفاهی هیچ‌کدام از متغیرها بر میزان احساس شهروندی مؤثر دیده نشد.

به نظر می‌رسد بعضی از متغیرها به دلیل یک‌دست بودن جامعه دانشجویی و در ارتباط بودن مداوم دانشجویان با یکدیگر تأثیر خود را از دست داده‌اند. و این نتیجه هم دور از انتظار نبوده است. بنابراین ارزش‌ها و نگرش‌هایی که به شهروندی حیات بخشیده و آن را بارور می‌سازند در کنار بعضی منابع، کارآمد خواهند بود.

- پیران، پرویز (۱۳۸۶)، *جزوه درسی جامعه‌شناسی سیاسی*، دانشگاه علامه طباطبایی.
- پیران، پرویز (۱۳۷۶-۱۳۷۷)، *شهر شهروند مدار. اطلاعات سیاسی، اقتصادی*. شماره‌ی ۱۲۹ تا ۱۳۴.
- ذکایی، محمدمسعود (۱۳۸۲)، *جوانان، شهروندی و ادغام اجتماعی*. مجله مطالعات جوانان، سال اول، شماره‌ی ۴-۳.
- شبانی، ملیحه (۱۳۸۱)، *شهروندی و رفاه اجتماعی. فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال اول، شماره‌ی ۴.
- شبانی، ملیحه (۱۳۸۲)، *وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران*. رساله دکتری جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- غیاثوند، الهه (۱۳۸۳)، *علل عدم برخورداری زنان از حقوق اجتماعی شهروندی*. رساله کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- فالکس، کیث (۱۳۸۱)، *شهروندی*. ترجمه محمدتقی دلفروز. تهران: نشر کویر.
- Bosin, sara (2006), **civic virtue**. at: www.learningtogive.org/papers/index2.asp
- Conover, P & Crewe, I & Searing, D (1991), **The nature of citizenship in the united states & great britain: empirical comments on theoretical theme**. The Journal of Politics; Vol 53, No 3.
- Jonoski, T (1998), **citizenship and civil society**. Cambridge university press.
- Jonowitz, Morris (1980), **Observation on the sociology of citizenship: obligation & rights**. Social Force; Vol 59, No 1
- Marchland, Bernard (1997). **The rigors of citizenship**. The Review Politics; Vol 59, No 1.
- Oldfield, A (1990), **Citizenship and Community: Civic Republicanism and the modern world**. London: Routledge
- Oliver, B.H. and Heater D. (1994), **The foundation of citizenship**, greate Britain: Harvester wheatsheat.
- Schwarzmantel, John (2003), **Citizenship and Identity, towards a new republic**. London: Routledge
- Turner, Brayan, S. (2000), **Liberal citizenship and cosmopolitical virtue, in A. Vanderbery, ed.citizenship and democracy in Global Era, London: Macmillan**.
- Turner, Brayan, S. (2001), **The erosion of citizenship**. British Journal of Sociology. Vol 52. No 2.